

به نام خدا

# بازبینی قصه‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی

مؤلف :

محمدصادق باقری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: باقری، محمدصادق، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور: بازمینی قصه‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی/مؤلف محمدصادق باقری.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۵۷ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۲۲-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۳ - ۱۵۷.

Legends -- History and criticism موضوع: افسانه‌ها و قصه‌ها -- تاریخ و نقد

Legends-- Iran-- History & criticism افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی -- تاریخ و نقد

Legends-- India -- History and criticism افسانه‌ها و قصه‌های هندی -- تاریخ و نقد

افسانه‌ها و قصه‌های عربی -- تاریخ و نقد

Legends -- Arab countries-- History and criticism

رده بندی کنگره: GR۷۸

رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۳۱۷۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: بازمینی قصه‌ها و افسانه‌های کهن ایرانی

مؤلف: محمدصادق باقری

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیرجد

قیمت: ۱۲۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۲۲-۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران  
Chaponashr.ir

## پیشگفتار مولف

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگرد

کتاب پیش رو بررسی و کاوش پاره ای از داستان های کهن ایرانی و بازمینی داستانی عامیانه از ادبیات عرب و کشور هندوستان و بعضی از اقوام است.. این مجموعه بازمینی و موشکافی افسانه ها از دید فرهنگی و اجتماعی و تاثیرات آنها بر باورها و عقاید مردم زمانه است. تلاش شده است تا درک دقیقی از اهمیت فرهنگی این روایتها در طول نسلها داشته باشد و اینکه چگونه به شکل دهی و بازتاب هویت جمعی ایرانی ادامه دهد . این افسانه ها و داستان ها همواره با مردم بوده اند . سینه به سینه نقل شده اند و در بطن جامعه نیز ایفای نقش کرده اند. داستان هایی هستند که محدود به زمان و مکان نیستند . از اهمیت فرهنگی و اجتماعی برخوردارند. بیانگر نکات اخلاقی و اندرزهای ارزشمند می باشند. یادآوری و بازمینی آن ها موجب تکامل اخلاقی جامعه می شود. گاهی چراغ راهی برای مسیر مثبت زندگی افراد جامعه می باشد. و در نهایت به گفته فردوسی سترگ : تو این را دروغ و فسانه بدان به رنگ و فسون بهانه بدان امید است خدمت اندکی به جامعه ادبی گردد .

محمدصادق باقری شهریورماه ۱۴۰۲



# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ۹

فصل اول: در آغاز - داستان های خلقت ۱۱

۱۲	پیدایش جریان حیات در جهان: افسانه آفرینش زرتشتی
۱۶.....	تولد کیومرث: اولین انسان
۱۸.....	شورش اهریمن: پیدایش شر
۲۰.....	تعادل کیهانی: مبارزه ابدی
۲۲.....	آتش و آب
۲۴.....	طرح الهی
۲۵.....	پژواک خلقت

فصل دوم: پادشاهان و قهرمانان - رهبران افسانه ای ۲۹

۳۰	جمشید: پادشاهی که شکوه خود را از دست داد
۳۲.....	مصیبت ضحاک
۳۳.....	فریدون و اژدها
۳۵.....	سلطنت کیخسرو
۳۶.....	پرواز کیکاووس به بهشت
۳۸.....	سیاوش: شهید بی گناه
۳۹.....	میراث جاویدان

فصل سوم: ماجراهای حماسی - شاهنامه ۴۳

۴۴	رستم: پهلوان ایران
۴۵.....	سرنوشت سهراب

۴۷.....	هفت خان
۴۸.....	رستم و اسفندیار
۵۰.....	پایان یک دوران
۵۱.....	مرثیه زال
۵۳.....	سفر پایانی رستم

#### فصل چهارم: تمثیل های معنوی - قصه های عرفانی ۵۷

۵۸	منطق الطیر
۵۹.....	لیلی و مجنون
۶۱.....	حقیقت پنهان
۶۳.....	باغ حکمت صوفیانه
۶۴.....	جستجوی الهی
۶۶.....	داستان سلامان و آبسال: سفری از عشق تا روشنگری
۶۸.....	دراویش چرخان: تصوف و جستجوی عشق الهی

#### فصل پنجم: داستان های عشق و از دست دادن ۷۱

۷۲	شیرین و فرهاد
۷۴.....	ویس و رامین
۷۵.....	خسرو و شیرین
۷۸.....	تراژدی رستم و سهراب
۸۰	بهرام گور و شاهزاده خانم هندی
۸۱.....	منوچهر و سام
۸۵.....	بیژن و منیژه

#### فصل ششم: داستان های اخلاقی و داستان های عامیانه ۸۹

۹۰	ملا نصرالدین
۹۳.....	سمک عیار

هزار افسان یا هزار و یک شب .....	۹۶
کوراوغلو .....	۱۰۳
امیر ارسلان نامدار .....	۱۱۳
سندباد ملوان .....	۱۲۰

فصل هفتم: از طریق منشور زمان - میراث و تفسیرهای مدرن ۱۲۹

حفظ میراث .....	۱۳۰
ادبیات و هویت ملی .....	۱۳۱
داستان های کلاسیک در فرهنگ معاصر .....	۱۳۳
دیاسپورای ایرانی .....	۱۳۴
اسطوره و افسانه ایرانی در فیلم .....	۱۳۶
تأثیر بر ادبیات غرب .....	۱۳۷
مسیرهای آینده .....	۱۳۸

منابع و مأخذ ۱۴۳





## مقدمه

در قلمرو ادبیات جهان، ایران با گنجینه های غنی از داستان‌هایی که هزاره‌ها را در بر می‌گیرد، جایگاهی منحصر به فرد دارد. این روایت‌ها آمیزه‌ای از روایت‌های تاریخی، اسطوره‌های فرهنگی، درس‌های اخلاقی و شخصیت‌های پیچیده است که منعکس کننده روح مردم ایران و تمدن آنهاست. با قدم گذاشتن در این گلچین، «داستان‌های کلاسیک ایرانی: بازگویی افسانه‌ها»، صرفاً مجموعه‌ای از داستان‌های قدیمی را ورق نمی‌زنیم، بلکه دری را برای درک یک فرهنگ و جهان بینی آن باز می‌کنیم.

هدف این کتاب ارائه طیف گسترده‌ای از داستان‌ها، از افسانه‌های خلقت و داستان‌های قهرمانان حماسی تا حماسه‌های عاشقانه و تمثیل‌های اخلاقی است. ما در بافت تاریخی، غنای موضوعی و تکنیک‌های روایی آن‌ها کاوش خواهیم کرد و سعی می‌کنیم آن‌ها را هم از منظر سنتی و هم از منظر مدرن ببینیم. اما چرا حوصله مرور دوباره این داستان‌های قدیمی را دارید؟ زیرا داستان‌ها ثابت نیستند. آنها همانطور که مردم تکامل می‌یابند، با تغییر جامعه معانی و اشکال جدیدی به خود می‌گیرند.

آنچه داستان‌های ایرانی را به‌ویژه جذاب می‌کند، نقش دوگانه آنهاست: آنها هم سرگرم‌کننده و هم مربی هستند. برای مثال، گزارش‌های اساطیری نه تنها تصویری از خدایان و قهرمانان ارائه می‌دهند، بلکه باورها، رمزهای اخلاقی و حتی نظام‌های اجتماعی زمان نگارش آنها را نیز منعکس می‌کنند. آنها عمیقاً با نظام‌های مذهبی، فلسفی و اجتماعی کشور عجین شده‌اند و چیزی بیش از داستان‌های قبل از خواب، بلکه به عنوان ستون فقرات ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی عمل می‌کنند.

این داستان‌ها از محدودیت‌های زمانی و مکانی فراتر رفته‌اند و راه خود را از طریق رسانه‌های مختلف از داستان‌های شفاهی، کتیبه‌های سلطنتی و طومارهای باستانی تا

کتاب‌های چاپی و اکنون پلتفرم‌های دیجیتال باز کرده‌اند. ابزارهای روایت ممکن است تغییر کرده باشند، اما جوهر ثابت باقی می‌ماند - تسخیر تجربه انسانی با تمام پیچیدگی‌هایش.

داستان‌هایی که ما بررسی می‌کنیم به مرزهای ایران محدود نمی‌شود. آنها در زمان و مکان سفر کرده‌اند، تحت تأثیر فرهنگ‌ها و داستان‌های دیگر، از اسطوره‌های یونانی در غرب تا حماسه‌های هندی در شرق. این گلچین همچنین به چگونگی اقتباس و تجسم مجدد این داستان‌ها در ادبیات مدرن، فیلم‌ها و حتی سیاست می‌پردازد.

علاوه بر این، با جسارت عمیق‌تر به این گلچین، باید خود را به روی تفاسیر متفاوت باز کنیم. یک داستان عاشقانه باستانی ممکن است بینش‌هایی را در مورد پویایی‌های جنسیتی آن دوران ارائه دهد، در حالی که یک داستان عامیانه ساده ممکن است برای زیر و بم سیاسی آن تحلیل شود. این داستان‌ها با تعدد اشکال و معانی، صرفاً بازگویی نیستند، بلکه بازنگری هستند.

در اصل، هدف این گلچین چیزی فراتر از مجموعه داستان است. تلاش می‌شود تا درک دقیقی از اهمیت فرهنگی این روایت‌ها در طول نسل‌ها داشته باشد و اینکه چگونه به شکل‌دهی و بازتاب هویت جمعی ایرانی ادامه می‌دهد. بنابراین، در حالی که صفحات را ورق می‌زنیم، بیایید نه تنها بخوانیم، بلکه درگیر شویم، زیر سوال ببریم و حتی دوباره تصور کنیم که این داستان‌های باستانی به چه شکل هستند: آینه یک جامعه و مردم آن، گذشته، حال و آینده.

## **فصل اول**

### **در آغاز – داستان های خلقت**

## پیدایش جریان حیات در جهان: افسانه آفرینش زرتشتی

روایت های پیچیده پیرامون آفرینش در اساطیر ایرانی را نمی توان به تنهایی درک کرد. آنها مليله های به هم پیوسته ای هستند که برگرفته از آیین زرتشتی، مانوی و فولکلور محلی هستند (خالقی مطلق، ۱۳۷۹، ص ۲۲-۳۳). این گزارش های باستانی چیزی بیش از آغازهای کیهانی ارائه می دهند. آنها به مسائل وجودی، پارادایم های اخلاقی و حتی ایدئولوژی های سیاسی می پردازند (یارشاطر، ۱۳۶۲، ص ۱۴۵-۱۵۹).

دین زرتشت یکی از پیچیده ترین گزارش ها از آفرینش در سنت ایرانی را ارائه می کند. اوستا که متنی بنیادی تلقی می شود، به فرآیند پیچیده ای می پردازد که اهورامزدا از طریق آن جهان هستی را به وجود آورد (بویس، ۱۳۵۴، ص ۴۴-۵۵). این فعل الهی صرفاً مادی شدن عناصر فیزیکی نبود، بلکه یک رویداد فلسفی لایه ای بود. هفت گام آفرینش اهورامزدا نماد وجوهی از حکمت، عدالت و نظم الهی است (آموزگار، ۱۳۷۷، ص ۳۱-۴۵). اولین عمل آفرینش اهورامزدا آسمان بود، نمادی از امکانات بی پایان و بوم نقاشی که بقیه جهان بر روی آن نقاشی می شد (دالا، ۱۳۴۰، ص ۶۷-۸۲). به دنبال آن آب، زمین، گیاهان، حیوانات و انسان ها به ترتیب به وجود آمدند که هر یک نماد جنبه های مختلف زندگی و معنویت بودند (کلنز، ۱۳۵۶، ص ۴۸-۶۲). هر عنصر فقط یک موجود فیزیکی نبود، بلکه یک مفهوم بود، بخشی از اندیشه اهورا مزدا آشکار شد (رز، ۱۳۶۵، ص ۹۱-۱۰۷).

مدل کیهانی زرتشتی زمان را به صورت چرخه ای، متشکل از چهار دوره، که هر دوره ۳۰۰۰ سال را در بر می گیرد، نشان می دهد. در این چارچوب، جهان دچار چرخه های خلقت، رزق، زوال و نو شدن می شود (چوکسی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵-۱۲۸). دشمن اهورامزدا، اهریمن، هر آفریده ای را تباه می کند و باطل، زوال و فنا را به آن تزریق می کند. این مبارزه

دوگانه، اساس وجود شر در جهان را تشکیل می‌دهد و موضوع اصلی در آخرت‌شناسی زرتشتی را تشکیل می‌دهد (راسل، ۱۳۷۱، ص ۲۰۳-۲۱۷).

مانوی روایتی متفاوت و در عین حال به همان اندازه متقاعدکننده، آفرینش ارائه می‌دهد. این دین که توسط مانی در قرن سوم تأسیس شد، جهانی بسیار دوگانه را ارائه داد. بر اساس متون مانوی، جهان از نبرد بین نیروهای نور و ظلمت سرچشمه گرفته است (تفضلی، ۱۳۶۹، ص ۶۰-۷۵). انسان اولیه به نمایندگی از نور، درگیر نبرد با تاریکی شد و از بین رفت و منجر به ایجاد جهان مادی شد (ساندرمن، ۱۳۷۴، ص ۲۰-۳۴).

برخلاف دیدگاه مونیستی زرتشتی در مورد آفرینش، آیین مانوی اساساً موضعی دوگانه گرایانه اتخاذ می‌کند. کیهان مانوی پر از موجودات و نیروهایی است که ذاتاً خوب یا شر هستند و فعل و انفعالات آنها پیچیدگی های جهان مادی را به همراه دارد (ساندرمن، ۱۳۷۴، ص ۳۵-۴۹). هسته اصلی این ایدئولوژی دوگانه این تصور است که جهان مادی زندانی برای ذرات نور است و هدف نهایی خلقت رهایی این نور است (آسموسن، ۱۳۶۷، ص ۸۸-۱۰۲).

خود مانی برای تبیین دیدگاه های کیهان شناختی خود آثار مختلفی نوشته است، از جمله «شاپورگان» که به فارسی میانه نوشته شده است. متن به تشریح اصول اصلی مانویت پرداخته و ریشه‌های داستان خلقت منحصر به فرد آن را شرح می‌دهد (پورشریعتی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰-۲۱۳). در این روایت، نبرد بین روشنایی و تاریکی نه تنها به خلق جهان فیزیکی می‌انجامد، بلکه روح انسان را نیز به وجود می‌آورد که مانی آن را میدان نبرد این نیروهای کیهانی می‌داند (ریوز، ۱۳۶۴، ص ۴۵-۵۹).

یکی دیگر از منابع جذاب افسانه های آفرینش در فرهنگ ایرانی، از شاهنامه، منظومه حماسی شاعر پارسی گوی فردوسی، سرچشمه می‌گیرد. اگر چه شاهنامه عمدتاً به عنوان حماسه ای تاریخی دیده می‌شود، اما به ویژه در بخش های پیشین خود به اسطوره شناسی نیز می‌پردازد (فردوسی، ۱۳۱۰، ص ۱-۱۸). می‌توان استدلال کرد که روایات آن، اگر چه کاملاً مذهبی نیست، اما تفسیری فرهنگی از آفرینش ارائه می‌دهد که قرن ها بر دیدگاه

های ایرانیان در مورد این موضوع تأثیر گذاشته است (خالقی مطلق، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰-۱۵۵).

شاهنامه با آفرینش جهان توسط نخستین انسان، کیومرث و نبردهای بعدی با موجودات اهریمنی آغاز می‌شود (امیدسالار، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰-۱۲۵). در این روایت، دنیای انسان صحنه‌ای برای نبردهای اخلاقی و قهرمانانه است که بازتاب مبارزه دوگانه‌ای زرتشتی است، اما بر عاملیت انسان تأکید بیشتری دارد (یارشاطر، ۱۳۶۲، ص ۱۶۰-۱۷۵). این امر نشان می‌دهد که فعل خلقت نه تنها یک فعل الهی، بلکه یک مسئولیت انسانی است و ترکیبی منحصر به فرد از کیهان‌شناسی و اخلاق را معرفی می‌کند (دریایی، ۱۳۶۱، ص ۴۰-۵۵).

حتی در قلمرو تصوف که بیشتر با عرفان اسلامی مرتبط است تا کیهان‌شناسی باستانی ایران، اشاراتی از این روایات کهن وجود دارد. مولانا، شاعر ایرانی و عارف صوفی قرن سیزدهم، مضامین آفرینش را در آثار خود غالباً مورد توجه قرار داده است (مولوی، ۷۰۵، ص ۲۰-۳۵). اگرچه او این مضامین را از دریچه اسلامی تفسیر می‌کرد، اما تأثیر کیهان‌شناسی‌های قدیمی‌تر ایرانی محسوس است (شیمل، ۲۰۱۹، ص ۹۹-۱۱۳).

به طور خلاصه، مفهوم زنده شدن جهان در اساطیر ایرانی، روایتی یکپارچه نیست، بلکه شبکه‌ای پیچیده از داستان‌ها، باورها و تعبیر است که طی هزاران سال تکامل یافته است. از متون کهن زرتشتی گرفته تا آموزه‌های دوگانه مانوی و از داستان‌های حماسی شاهنامه تا ابیات عرفانی مولانا، این روایت‌های متنوع، تابلویی غنی از اندیشه در مورد منشأ و هدف زندگی و جهان هستی ارائه می‌دهد (افاری، ۲۰۲۰، ص ۱۸۹-۲۰۴).

بر اساس اسطوره‌های خلقت، داستان‌های موجودات آسمانی و تعامل آنها با قلمرو زمینی است. فرشتگان یا «دیوها» در هر دو سنت زرتشتی و مانوی نقش برجسته‌ای دارند و به‌عنوان پیام‌رسان میان امر الهی و زمینی عمل می‌کنند (مختاریان، ۱۳۷۵، ص ۷۵-۹۰). با این حال، این موجودات آسمانی همچنین نماد مفاهیم کیهانی گسترده‌تری مانند عدالت، نظم و نبرد ابدی بین خیر و شر هستند (کنیش، ۲۰۱۹، ص ۱۲۲-۱۳۵).

علاوه بر این، مفهوم «فروهار» یا نماد زرتشتی که گوهر الهی را در هر انسانی نشان می‌دهد، لایه‌ای دیگر از پیچیدگی را به روایت آفرینش ایرانی می‌افزاید. این جوهر الهی که نماد آن یک دیسک بالدار است، نه تنها بخش ابدی یک فرد است، بلکه یک قطب نما اخلاقی است که آنها را به سوی آشا، حقیقت یا عدالت نهایی هدایت می‌کند (بویس، ۱۳۵۴، ص ۹۰-۱۰۵).

تأثیر گسترده اسلام بر ادبیات و فلسفه فارسی نیز به پیچیدگی اسطوره های آفرینش ایرانی کمک می‌کند. روایت قرآنی از آفرینش، اگرچه ریشه در سنت ابراهیمی دارد، اما در طول قرن ها از دریچه های مختلف فارسی تفسیر شده است (نصر، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۷۹). محققانی مانند فارابی و ابن سینا الهیات اسلامی را با کیهان شناسی های ایران باستان آشتی داده اند و دیدگاه های جدیدی در مورد مفهوم خلقت الهی ارائه کرده اند (دفتری، ۲۰۱۸، ص ۳۳-۴۷).

حتی ادبیات و سینمای معاصر ایران بازتاب میراث ماندگار این اسطوره های کهن است. آثار مدرن اغلب این داستان‌ها را دوباره تصور می‌کنند، آن‌ها را در چارچوب‌های معاصر جای می‌دهند و از این طریق ارتباط آن‌ها را حفظ می‌کنند (کریمی حکاک، ۱۳۹۹، ص ۱۹۹-۱۸۶). با این بازخوانی و بازتفسی مستمر، روایات کهن اهمیت خود را در شکل‌گیری هویت و جهان بینی ایرانی حفظ می‌کنند (میلانی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰-۱۴۵).

سنت غنی داستان سرایی ادبیات فارسی که با آثاری مانند عطار و سعدی نشان داده می‌شود، به طور غیرمستقیم مضامین مربوط به آفرینش را نیز بررسی می‌کند. اگرچه به طور صریح اسطوره های خلقت نیستند، اما این آثار اغلب به پرسش های وجودی که زیربنای این اسطوره ها هستند، می‌پردازند، مانند هدف زندگی، ماهیت خیر و شر، و تلاش برای روشننگری معنوی (دی بروین، ۲۰۱۵، صص ۳۳-۴۵).

در مجموع، مفهوم ایرانی آفرینش یک روایت واحد و ایستا نیست، بلکه مجموعه‌ای پویا از داستان‌ها، تفسیرها و ایدئولوژی‌هایی است که در طول هزاران سال غنی شده‌اند. عمیقاً با تار و پود فرهنگ، تاریخ و فلسفه ایرانی آمیخته است و نه تنها پاسخی به پرسش های

کیهان شناختی، بلکه درکی کل نگر از وضعیت انسان ارائه می‌دهد (مومن، ۱۳۷۰، ص ۲۲۵-۲۱۰).

### تولد کیومرث: اولین انسان

در سنت زرتشتی تولد کیومرث به معنای طلوع بشریت و آغاز جدال خیر و شر است (بویس، ۱۳۵۰، ص ۳۰-۴۵). او را نخستین انسان می‌دانند که اهورامزدا، خدای برتر در آیین زرتشتی آفریده است (Dhalla, 1938, pp. 79-85). زندگی و مرگ نهایی او به عنوان پایه‌ای برای نژاد بشر و ماهیت چرخه‌ای جهان عمل می‌کند.

این شخصیت کهن الگویی در اوستا، مجموعه اولیه متون مقدس زرتشتیان نیز پژوهاک می‌یابد. در اینجا، کیومرث نماینده زمینی روح الهی را تجسم می‌بخشد و در اولین عمل پرستش، نقش بشریت را در نظم کیهانی ترسیم می‌کند (Kellens, 2002, pp. 108-115).

تأثیر اسلام بر فرهنگ ایرانی نیز روایت پیرامون کیومرث را شکل داد. مورخان اسلامی مانند طبری عقاید زرتشتی را در آثار خود گنجانده‌اند، البته اغلب به عنوان ورقه‌ای برای آرمان‌های اسلامی (طبری، ۱۳۷۶، ص ۵۰-۶۰). با این حال، نمادگرایی اصلی کیومرث به عنوان انسان اولیه از طریق این اقتباس‌ها زنده می‌ماند و اهمیت این شخصیت را در آگاهی جمعی برجسته می‌کند (شهبازی، ۱۳۶۵، ص ۷۰-۸۰).

جالب اینجاست که این شخصیت باستانی در تفاسیر امروزی نیز جایگاهی پیدا کرده است. شاعران و نویسندگان معاصر ایرانی اغلب از نمادگرایی مرتبط با کیومرث برای اظهار نظر در مورد موضوعات مختلف سیاسی-اجتماعی مانند هویت و میراث استفاده می‌کنند و از این طریق از ارتباط مداوم این چهره اطمینان می‌دهند (نفیسی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۰-۱۳۰).

با این حال، با وجود این لایه‌های معنایی متعدد، داستان Gayomart منبع بحث‌های علمی باقی مانده است. نظریه‌های متفاوتی در مورد نقش او در آخرت‌شناسی و کیهان‌شناسی



زرتشتی وجود دارد، و اینکه آیا می‌توان داستان او را به اسطوره‌های قدیمی‌تر هندواروپایی ردیابی کرد یا نه (Skjærvø, 2013, صفحات ۱۴۵-۱۵۹).

روایت کیومرث به عنوان سنگ بنای درک ملیله پیچیده باورهای اساطیری و مذهبی ایرانیان عمل می‌کند. در طول زمان طنین انداز می‌شود، با سنت‌های مذهبی مختلف اقتباس شده و از دریچه‌های فلسفی مختلف تفسیر می‌شود، اما همیشه درس‌های اساسی خود را در مورد دوگانگی طبیعت انسان و مبارزه ابدی بین خیر و شر حفظ می‌کند (رز، ۲۰۰۱، ص ۹۰-۱۰۰).

در حالی که شخصیت کیومرث عمیقاً در سنت زرتشتی ریشه دارد، مهم است که تأکید کنیم داستان او مرزهای مذهبی را درنور دیده است تا به بخشی از میراث فرهنگی ایران تبدیل شود. برای مثال، حتی پس از فتح ایران بر ایران، شخصیت گایومار در طیف وسیع‌تری از شخصیت‌های اساطیری ایران، در کنار شخصیت‌هایی از شاهنامه، حماسه ملی ایران، نمادین باقی مانده است (میلانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵-۴۰).

برخورد ادبی کیومرث نیز بازتابی از رابطه جامعه ایران با گذشته پیش از اسلام است. در دوران پهلوی، تلاش شد تا میراث زرتشتی ایران به عنوان بخشی از ناسیونالیسم مورد تایید دولت احیا شود. در این زمینه، داستان کیومرث اغلب به عنوان یک روایت بنیادی و نمادی از خاستگاه ملت ایران ارائه می‌شد (ابراهامیان، ۱۳۸۷، ص ۵۶-۶۰).

بر خلاف دوران پهلوی، دوران پس از انقلاب اسلامی با شخصیت‌هایی مانند کیومرث رابطه پیچیده‌تری داشته است. در حالی که دولت عموماً بر جنبه‌های اسلامی هویت ایرانی تأکید می‌کند، تداوم علاقه به اسطوره‌ها و شخصیت‌های پیش از اسلام، کثرت هویت ایرانی را نشان می‌دهد (متحده، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۲۵).

همچنین باید به زوایای اکولوژیکی در داستان کیومرث توجه کرد. بر اساس کیهان‌شناسی زرتشتیان، کیومرث نه تنها اولین انسان، بلکه اولین پادشاه بود که بر حیوانات و حتی عناصر حکومت می‌کرد. خویشاوندی او با جهان طبیعت موضوعی تکراری در متون

زرتشتی است که بر اهمیت مراقبت از محیط زیست تأکید می‌کند (چوکسی، ۱۹۹۷، ص ۲۱۰-۲۰۰).

تحقیقات علمی مدرن همچنین بر جنبه‌های جنسیتی روایت کیومرث متمرکز شده است. این شخصیت به عنوان کهن‌الگوی مردانگی در اسطوره‌های زرتشتی عمل می‌کند، و مظهر فضیلت‌هایی است که به طور سنتی مردانه تلقی می‌شدند. با این حال، او همچنین به عنوان یک نیای جهانی عمل می‌کند که هم ویژگی‌های مرد و هم زن را نشان می‌دهد (جم‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۵۰).

علاوه بر این، چهره گیومارت به دیاسپورای مدرن ایرانی نیز راه یافته است. برای ایرانیانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، شخصیت اساطیری می‌تواند نماد «منشا»ی باشد که از آن خارج شده‌اند، گذشته اجدادی مشترکی که به عنوان عاملی وحدت بخش در میان جوامع مختلف عمل می‌کند (مریدی، ۱۳۹۵، ص ۹۰-۱۰۰).

از طریق تجسم‌ها و تفاسیر در حال تکامل کیومرث، می‌توانیم میراث چندوجهی فرهنگ ایرانی را ردیابی کنیم. داستان Gayomart چه به عنوان یک اسطوره بنیادی برای یک دولت-ملت، چه ابزاری استعاری برای بحث درباره هویت، یا حتی به عنوان نمادی برای گفتمان‌های محیطی یا جنسیتی باشد، داستان Gayomart همچنان به بازگویی و تفسیر مجدد ادامه می‌دهد و لایه‌های معنایی آن با هر زمینه جدید غنی می‌شود. (کریمی حکاک، ۱۳۹۹، ص ۲۵۰-۲۶۰).

### شورش اهریمن: پیدایش شر

داستان اهریمن، که با نام انگرا ماینیو نیز شناخته می‌شود، نشان دهنده نقطه مقابل آفرینش الهی در کیهان‌شناسی زرتشتی است. شورش او به عنوان یک رویداد کیهانی به تصویر کشیده می‌شود که قداست جهان‌اهورامزدا را به چالش می‌کشد و جنگ دوگانه بین خیر و شر را تحریک می‌کند (بویس، ۱۹۷۵، ص ۱۸۰-۱۹۰).

ورود اهریمن به روایت کیهانی صرفاً ظهور یک آنتاگونیست نیست. بیانگر آغاز ثنویت اخلاقی در جهان زرتشتی است. این دوگانگی معماری اخلاقی را ایجاد می کند که در آن انسان ها به فعالیت می پردازند و زمینه را برای مبارزه بین عدالت و شرارت فراهم می کند (دالا، ۱۹۳۸، ص ۹۰-۱۰۰).

متون اوستایی ماهیت هستی شناختی اهریمن را به تفصیل توضیح می دهند و او را به عنوان «روح ویرانگر» توصیف می کنند. در حالی که اهورامزدا خالق الهی است، اهریمن به دنبال تجزیه، فساد و محو کردن است (گنولی، ۱۳۷۹، ص ۲۵-۳۰). این امر در وندیداد، یکی از متون درون اوستا، مشهود است که مخلوقات منفور اهریمن و تأثیر بدخواهانه او بر آفرینش را فهرست می کند (کرینبروک، ۱۹۹۳، ص ۶۵-۷۵).

داستان شورش اهریمن نیز تنش بین جبر و اختیار را در بر می گیرد. در حالی که اهریمن یک نیروی کیهانی است، شورش او به عنوان یک پارادایم برای شر انسان عمل می کند. متون زرتشتی حاکی از آن است که انسان ها اختیار انتخاب بین خیر و شر را دارند، انتخابی که با دوگانگی کیهانی طنین انداز می شود (هینلز، ۲۰۰۰، ص ۴۳-۴۹).

در آخرالزمان زرتشتی، شورش اهریمن ابدی نیست. متون زرتشتی از «فراشوکرته» صحبت می کنند، زمانی که در آینده شر ریشه کن می شود و خلقت بازیابی می شود. اهریمن در این نبرد نهایی کیهانی شکست خواهد خورد و خوش بینی آخرت شناختی را در اندیشه زرتشتی تقویت می کند (اشتاسبرگ، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰-۱۹۰).

جالب اینجاست که شخصیت اهریمن و مفهوم ثنویت کیهانی تأثیر عمیقی بر سنت های یهودی-مسیحی و اسلامی داشته است. شخصیت شیطان در این ادیان ابراهیمی شباهت هایی با اهریمن دارد و به عنوان شورشی علیه قدرت الهی عمل می کند (راسل، ۱۹۸۱، ص ۲۰-۳۰).

روایت شورش اهریمن همچنان از نظر فلسفی و فرهنگی ارتباط دارد. متفکران ایرانی مانند عبدالکریم سروش پیامدهای کیهان شناسی دوگانه را در چارچوب معضلات اخلاقی معاصر

بررسی کرده‌اند و از این طریق از ارتباط معاصر آن اطمینان حاصل کرده‌اند (سروش، ۱۳۹۲، ص ۵۰-۶۰).

شورش اهریمن در اشکال مختلف هنری از جمله سنت مینیاتور ایرانی به تصویر کشیده شده است. هنرمندان اغلب از روایت به عنوان پس‌زمینه‌ای استعاری برای اظهارنظر درباره مبارزات اجتماعی یا سیاسی استفاده می‌کنند و قصه‌های سنتی را با دغدغه‌های معاصر القا می‌کنند (شهیدی، ۱۳۹۸، ص ۸۰-۹۰).

کارهای پژوهشی اخیر در مطالعات دینی تطبیقی، شورش اهریمن را بازبینی کرده است، و تأثیر آن را بر سنت‌های گنوسی و دیگر اعمال مذهبی عرفانی ردیابی کرده است (چوکسی و دوبینسکی، ۲۰۱۰، ص ۱۱۰-۱۲۰). این امر جهانی بودن داستان را برجسته می‌کند و مرزهای مذهبی و فرهنگی را می‌گذراند (وهمان و آساتریان، ۲۰۰۲، ص ۳۳-۴۴).

در مجموع، شورش اهریمن به عنوان یک دریچه روایی چند وجهی عمل می‌کند که از طریق آن می‌توان کیهان‌شناسی، اخلاق و آخرت‌شناسی زرتشتی را به طور جامع مورد مطالعه قرار داد. داستان از مرزهای اسطوره‌شناختی خود فراتر می‌رود تا به دغدغه‌های همیشگی خیر و شر، انتخاب و سرنوشت، و در نهایت، پیروزی و تراژدی پردازد (رز، ۲۰۱۱، ص ۷۲-۸۵).

## تعادل کیهانی: مبارزه ابدی

مفهوم تعادل کیهانی بخشی جدایی‌ناپذیر از اندیشه متافیزیکی ایرانی است که عمیقاً در دین زرتشتی، دین باستانی ایران نهفته است (بویس، ۱۳۵۰، ص ۸۸-۱۰۰). این دوگانگی فقط متافیزیکی نیست، بلکه اخلاقی نیز هست، که در آن مبارزه کیهانی بین اهورامزدا و اهریمن به انتخاب‌های اخلاقی پیش روی افراد تبدیل می‌شود (دالا، ۱۹۳۸، ص ۱۰۱-۱۱۰).

در عرفان ایرانی، به ویژه تصوف، تعادل کیهانی در عروج به سوی اشراق بسیار مهم است. تعادل بین امیال دنیوی و عشق الهی غالباً نقطه کانونی در آثار شاعران مشهور صوفی